

## خطر وقوع اپیدمی اضطراب در کشور

تغییر مداوم سیاست‌ها و گفته‌ها و ضدونقیض‌گویی‌ها، کالایی‌دیدن واکسن، دادن وعده‌ها و امیدهای واهی و ناتوانی در به انجام رساندن آنها به بی‌اعتمادی مردم نسبت به گفته‌های مسئولان و نگرانی و اضطراب آنها نسبت به آینده منجر می‌شود.



تغییر مداوم سیاست‌ها و گفته‌ها و ضدونقیض‌گویی‌ها، کالایی‌دیدن واکسن، دادن وعده‌ها و امیدهای واهی و ناتوانی در به انجام رساندن آنها به بی‌اعتمادی مردم نسبت به گفته‌های مسئولان و نگرانی و اضطراب آنها نسبت به آینده منجر می‌شود.

به گزارش ایسنا، روزنامه همشهری نوشت: «درخواست عمومی، واکسیناسیون علیه کروناست. هیچ کس اما پاسخگو نیست. وزارت بهداشت توپ را در زمین تولیدکنندگان می‌اندازد و تولیدکنندگان انگشت اتهام را به سمت وزارت بهداشت نشانه می‌گیرند. از آن طرف هم بخش خصوصی از اینجا مانده و از آنجا رانده، همچنان در تلاش برای واردات چند هزار دوزی واکسن کروناست که هنوز به نتیجه ای نرسیده است.

خارج از این دایره اما، مردمی به انتظار نشسته اند که یک چشم شان به کشورهای دیگر است که واکسیناسیون منظم و سریع در حال انجام است و چشم دیگرشان به درهای بسته مراکز واکسیناسیون تا نوبت شان شود. وضعیت کلافه کننده است. آمارهای منتشرشده از سوی وزارت بهداشت درباره میزان تزریق های روزانه واکسن کرونا، به راحتی بر کمبود شدید واکسن صحنه می‌گذرد؛ آن هم درست زمانی که به یک واکسن داخلی و یک واکسن تولید مشترک، مجوز مصرف اضطراری داده شده است. وضعیت نابسامان واکسیناسیون همزمان با شیوع جهش جدید کرونا و بالارفتن میزان ابتلا و مرگ و قرار گرفتن پشت درهای پیک پنجم، نگرانی‌ها را از وضعیت اجتماعی و روان جامعه بالا برده است.

در این شرایط مصطفی معین که ریاست شورای عالی نظام پزشکی را عهده دار است و سابقه سال‌ها فعالیت در حوزه آموزش در سلامت را دارد، به پیامدهای بی‌توجهی به مطالبه گری مردم برای واکسیناسیون و دادن وعده‌های مکرر بدون تحقق آنها، اشاره می‌کند. او در گفت‌وگو با همشهری تأکید می‌کند که آثار منفی بحران کرونا بر سلامت روان جامعه، کمتر از خسارت‌های بهداشتی و اقتصادی آن نیست و بعدها هم تداوم خواهد داشت.

یک سال و نیم از شیوع کرونا در کشور می‌گذرد و ما هنوز برنامه مشخص و روشنی در مدیریت اپیدمی نداریم. حالا هم که ماجرای واکسیناسیون کرونا مطرح است، مردم با کندی تزریق واکسن مواجهند. خیلی‌ها نگران دوز دومشان هستند و بسیاری هم بلا تکلیف. حالا در کنار همه اینها ماجرای جهش‌های جدید کرونا و بیماری‌زایی بالای آن در میان است؛ در حالی که هنوز گام‌های واکسیناسیون بسیار کند در حال پیش رفتن است. شما پیش از این فعالیت‌های زیادی در حوزه آموزش در سلامت داشته‌اید. به اعتقاد شما این شرایط چقدر روان مردم را نسبت به گذشته حتی بعد از شیوع کرونا ناآرام کرده است؟

در مدتی که از دنیاگیری کرونا گذشته است، بر اساس آمار رسمی اعلام شده از سوی وزارت بهداشت، در ایران بیش از ۵/۳ میلیون نفر به بیماری کووید-۱۹ مبتلا شده‌اند و بالاتر از ۸۵ هزار نفر جانشان را از دست داده‌اند. در شرایطی که فاصله‌گذاری اجتماعی، قرنطینه خانگی و محدودیت سفرهای شهری و بین شهری ملال آور شده و خستگی ایجاد کرده، محدودیت رفتن به طبیعت یا نداشتن ورزش و تحرک بدنی، باعث اضافه وزن و چاقی و بی‌حالی یا خواب‌آلودگی و بد خوابی شده است. قطع روابط خویشاوندی و ارتباط با دوستان، احساس تنهایی و جداسازدن از جامعه را به وجود آورده و درگذشت غیرمنتظره خویشان و دوستان و نبود امکان برگزاری مراسم عزاداری و کامل شدن مراحل سوگ، وضعیت را آشفته‌تر کرده است.

در این میان ترس و وحشت از یک بیماری خطرناک و هزارچهره، بدون وجود درمان قطعی در شرایطی همچنان در جامعه غلبه دارد که شایعات و شبه علم و انگ و خرافه در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در حال انتشار است. تمام این عوامل به گسترش اختلال در سلامت روان و احساس بی‌پناهی و درماندگی یا اضطراب و افسردگی به ویژه در میان زنان با درجه‌های مختلف دامن زده است.

این وضعیت تنها به کشور ما اختصاص ندارد و کم و بیش در سایر کشورها هم رخ داده است اما هر قدر به دلیل ضعف‌های مدیریتی، در انجام واکسیناسیون عمومی تأخیر ایجاد شود، مدت شیوع بیماری کووید-۱۹ طولانی‌تر و موج‌های جدید آن دامن گیر شود و در کنار آن خسارت‌های انسانی و اقتصادی بیشتر شود، پیامدهای روانی و اجتماعی شیوع کرونا هم دوچندان خواهد بود؛ اتفاقی که در این مدت در کشورمان شاهد آن بوده ایم.

ما اکنون با معضل جدیدی مواجه هستیم و آن هم نگرانی و آشفتگی سالمندان از نبود واکسن است. این موضوع التهابی را میان این گروه ایجاد کرده و خود و خانواده هایشان در کنار سایر دغدغه ها، حالا به دنبال پیدا کردن واکسن اند. این شرایط به ویژه برای سالمندان، طاقت فرسا شده. این در حالی است که این گروه درگیر بیماری های زمینه ای هم هستند و این شرایط، برایشان خطرناک است. به اعتقاد شما این وضعیت چقدر می تواند ابعاد آسیب زای بیشتری پیدا کند؟

در کشور ما بیش از ۸ میلیون نفر بالای ۶۰ سال دارند که ۲ میلیون نفر از آنها، تنها زندگی می کنند. تنهایی عامل خطر بزرگی است که به دنبال خود افسردگی، مشکلات گوارشی، اختلال خواب و ترس و وحشت ایجاد می کند. معمولاً مراقبت های غیر دارویی در کاهش اضطراب، افسردگی و استرس مزمن مؤثرند. نتایج پژوهش های گسترده در سطح جهان نشان می دهد که در بحران کرونا، قدرت سازگاری سالمندان با شرایط و تاب آوری آنها نسبت به گروه های سنی پایین تر یعنی میانسالان و جوانان بیشتر بوده است اما از سوی دیگر سالمندان به دلیل ضعف سیستم ایمنی دوره کوهلت و همچنین ابتلا به بیماری های زمینه ای مثل بیماری های قلبی و عروقی، فشار خون، بیماری های مزمن تنفسی، دیابت و ... در معرض ابتلا به نوع شدید کرونا قرار دارند. آمارها نشان می دهد، بیش از ۵۰ درصد مبتلایان و بیش از ۶۵ درصد مرگ و میرها به دلیل کرونا در میان سالمندان بوده است. بنابراین رعایت توصیه های بهداشتی برای پیشگیری از سرایت ویروس، ارتباط منظم آنها با پزشک معالج و از همه مهم تر در اولویت قراردادن سالمندان در تزریق واکسن بسیار مهم است.

بی برنامه‌گی در نوبت دهی برای واکسیناسیون سالمندان و کمبود واکسن که باعث ازدحام و ساعت ها انتظار در صف های طولانی و شلوغ آن هم در هوای گرم شده، اتفاق تأسف آوری است و می توان آن را شاخصی از بی مسئولیتی مدیران مربوط دانست. در این شرایط، در کنار استرس و احساس بی پناهی، چه بسا تعدادی از این افراد در معرض ابتلا به کرونا قرار گیرند.

قبل از این که ماجرای واکسیناسیون مطرح شود، نگرانی مردم از ابتلا به این ویروس بود و حالا با تولید چندین واکسن در دنیا و واکسیناسیون جمعیت قابل توجهی در کشورهای مختلف بخشی از مردم ایران، احساس عقب ماندگی می کنند. در کنار آن هم حالا مردم خیلی به وعده های تامين واکسن اعتمادی ندارند و حتی دیگر پروتکل های رسمی وزارت بهداشت را رعایت نمی کنند.

به طور کلی، تغییر مداوم سیاست ها و گفته ها و ضدونقیض گویی ها، کالایی دیدن واکسن، دادن وعده ها و امیدهای واهی و ناتوانی در به انجام رساندن آنها به بی اعتمادی مردم نسبت به گفته های مسئولان و نگرانی و اضطراب آنها نسبت به آینده منجر می شود. مطرح شدن سفر به کشورهای اطراف مانند ترکیه، امارات و ارمنستان برای تزریق واکسن بازتابی از ناامیدی مردم از مسئولان است.

وقتی مسائل و نحوه تصمیم گیری ها شفاف نباشد، اولویت های واکسیناسیون رعایت نشود، بیش از حد بر تولید واکسن داخلی تبلیغ شود و هر بار رونمایی هایی از یک واکسن جدید انجام بگیرد، بدون این که عرضه آن در زمان اعلام شده، صورت گیرد، طبیعی است که بی اعتمادی ایجاد شود.

وقتی تجویز اضطراری واکسن قبل از اتمام مراحل کارآزمایی نهایی صورت گیرد، جلب اعتماد عمومی با مشکل مواجه می شود. همه اینها در شرایطی است که برای خرید واکسن خارجی با وجود قرار گرفتن در پیک های جدید، تعلل و فرصت سوزی می شود و این به بی اعتمادی مردم دامن می زند.

مسئله ای که اکنون با آن مواجه هستیم، تکرار تجربه های گذشته در مدیریت بحران کروناس است که موج انتقادات را نسبت به مسئولان کشور بیشتر کرده است. به نظر می رسد مجموعه این مسائل در کنار بی اعتمادی، حلقه سرمایه اجتماعی را کوچک تر خواهد کرد. به همه اینها باید نبود یک برنامه دقیق برای کنترل و مدیریت تأثیرات روانی و اجتماعی ناشی از شیوع کرونا در یک سال و نیم گذشته را هم اضافه کرد. برای خروج از این وضعیت، چه اقدامی باید در اولویت قرار گیرد؟

ثبت مرگ بر اثر کرونا، بیش از میانگین جهانی چه در بین کادرهای پزشکی و پرستاری و چه عموم مردم و قرار گرفتن ایران در آخرین رتبه های منطقه ای و جهانی از نظر واکسیناسیون نسبت به جمعیت، منجر به بی اعتمادی، ناامیدی و انتقاد شدید از تکرار عملکردهای نادرست شده است. مدیرانی که پاسخگوی اشتباهات نیستند، عملکرد ضعیف دارند و رفتار اجتماعی دوگانه ای از خود نشان می دهند، هیچ وقت نمی توانند در میان مردم جایگاهی داشته باشند.

بی تردید آثار منفی بحران کرونا بر سلامت روانی جامعه که در بلندمدت هم ادامه خواهد داشت، کمتر از خسارت های بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی آن نیست و در دوران پساکرونا هم تداوم خواهد داشت. در جوامع و کشورهای پیشرفته، یک سند تقسیم کار ملی برای کنترل و مدیریت این بحران فراگیر چه در دوره حاد آن و چه در بلندمدت پساکرونا، تدوین شده و قرار است به اجرا

گذاشته شود.

من اطلاع دقیقی از وجود چنین سندی در کشورمان ندارم. بنابراین پیشنهاد می شود چنین سندی در دستور کار قرار گیرد. علاوه بر تدوین و تصویب این سند پیشنهاد می شود، تیمی از دانشگاهیان بی طرف در تخصص های علمی مختلف با حکم رئیس جمهوری تشکیل شود و با مطالعه فرایند طی شده در مدیریت بحران کرونا در ایران، موارد قوت و ضعف آن را ارزیابی و مستند کنند و راهکارهای رفع ضعف ها و ناکارآمدی ها را برای پیشگیری از تکرار آنها در آینده ارائه دهند.»